

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُنَاجَاتُ
شُعْبَانِيَّة

نَگَاحِي بَهِ
«مُنَاجَاتُ شُعْبَانِيَّة»
از منظر «امام خمینی»
حَمْدُ اللَّهِ



بیان معنی

Panahian.net

در هیچ یک از ادعیه گفته نشده که ادعیه مال همه ائمه است مگر مناجات شعبانیه

امام خمینی (ره): من در نظر ندارم که در هیچ یک از ادعیه گفته شده باشد که ادعیه مال همه ائمه است. این دعای شعبان، مناجات شعبان، مناجات همه ائمه است و در این، مسائل بسیار هست، معارف بسیار هست و ادب اینکه انسان چه جور باید با خدای تبارک و تعالی مناجات کند. ما غافلیم از این معانی که وضع چی است. شاید بعضی از جهال ما هم این طور اعتقاد دارند که این ادعیه وارد شده و این چیزهایی که از ائمه وارد شده است اینها تشریفات است. می خواهند ما را یاد بدهند و حال اینکه مسأله این نیست، مسأله این است که در مقابل خدا ایستادند آنها، آنها می دانند که در مقابل چه عظمتی ایستادند، آنها معرفت دارند به خدای تبارک و تعالی و می دانند چه کنند و مناجات شعبانیه از مناجاتهایی است که اگر یک نفر انسان دلسوخته، یک عارف دلسوخته- نه از این عارفهای لفظی- بخواهد این را شرح کند و شرح کند از برای دیگران، بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است، چنانچه همه ادعیه ائمه- علیهم السلام.

(۱ فروردین ۱۳۶۷، پیام رادیو-تلویزیونی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۲)

فراز اول: اگر نبود در ادعیه الا دعای مناجات شعبانیه، کافی بود برای اینکه امامان ما، امامان بحقند / تمام مسائل عرفانی در چند کلمه مناجات شعبانیه خلاصه شده است

امام خمینی ره: اگر نبود در ادعیه الا دعای مناجات شعبانیه، کافی بود برای اینکه امامان ما، امامان بحقند؛ آنهايي که این دعا را انشا کردند و تعقیب کردند. تمام این مسائلی که عرفا در طول کتابهای طولانی خودشان یا خودشان می گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست، بلکه عرفای اسلام از

همین ادعیه و از همین دعاهایی که در اسلام وارد شده است از اینها استفاده کرده‌اند. و عرفان اسلام فرق دارد با عرفان هند و جاهای دیگر. این دعاهاست که به تعبیر بعضی از مشایخ ما می‌فرمودند که «قرآن، قرآن نازل است، آمده است به طرف پایین و دعا از پایین به بالا می‌رود، این قرآن صاعد است.» معنویات در این ادعیه - آنی که انسان را می‌خواهد آدم کند، آنی که این افرادی که اگر سر خود باشند از همه حیوانات درنده‌تر هستند - این ادعیه با یک زبان خاصی که در دعاها هست اینها این انسان را دستش را می‌گیرد و می‌بردش به بالا، آن بالایی که من و شما نمی‌توانیم بفهمیم، اهلش هستند.

فراز دوم: مناجات شعبانیه، عامل تقویت روحی و نور افکنی معجز آسا

این دعاهایی که در ماهها هست، در روزها هست، خصوصاً، در ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، اینها انسان را همچو تقویت روحی می‌کند - اگر کسی اهلش باشد، ماها که نیستیم - همچو تقویت روحی می‌کند و همچو راه را برای انسان باز می‌کند و نور افکن است برای اینکه، این بشر را از این ظلمتها بیرون بیاورد و وارد نور بکند که معجزه آساست. به این دعاها عنایت بکنید.

فراز سوم: مناجات شعبانیه، راهی برای تسهیل شهادت طلبی

لسان قرآن یکجور زبان است، زبان دعا یکجور زبان است، زبان علما و عرفا و اینها هم یک زبان دیگر است. آنکه سبکبار می‌کند انسان را و از این ظلمتکده می‌کشد او را بیرون و نفس را از آن گرفتاریها و سرگشتگیهایی که دارد خارج می‌کند این ادعیه‌ای است که از ائمه ما وارد شده‌اند. ائمه ما - علیهم صلوات الله - که تقریباً همه‌شان گرفتار به یک ابرقدرتهایی بودند که نمی‌توانستند یک کاری را انجام بدهند شاخص، علاوه بر آن هدایت‌های زیرزمینی که می‌کردند این ادعیه‌شان برای تجهیز مردم بود، بر خلاف آن دولتهای قاهری که بودند. همین ادعیه بودند که اشخاص وقتی که ادعیه را می‌خواندند قوت روحی پیدا می‌کردند و سبکبار می‌شدند و شهادت برای آنها هین و آسان می‌شد. این ادعیه در ماه مبارک رجب و خصوصاً در ماه مبارک شعبان اینها مقدمه و آرایشی است که انسان به حسب قلب خودش می‌کند برای اینکه مهیا بشود برود مهمانی؛ مهمانی خدا، مهمانی‌ای که در آنجا سفره‌ای که پهن کرده است قرآن مجید است و محلی که در آنجا ضیافت می‌کند مهمش «لیلة القدر» است و ضیافتی که می‌کند ضیافت تنزیهی و ضیافت اثباتی و تعلیمی [است]. نفوس را از روز اول ماه مبارک رمضان به روزه، به مجاهده، به ادعیه مهیا می‌کند تا برسند به آن سفره‌ای که از آن باید استفاده کنند و آن «لیلة القدر» است که قرآن در آن نازل شده است.

(۲۱ تیر ۱۳۵۹، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۱ الی ۳۳)

مناجات شعبانیه، مناجاتی که انسان را به یک جایی می‌رساند

امام خمینی (ره): مناجات «شعبانیه» را خواندید؟ بخوانید آقا! مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی است که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکند، انسان را به یک جایی می‌رساند. آن کسی که این مناجات را گفته و همه ائمه هم به حسب روایت می‌خواندند، اینها، آنهاایی بودند که وارسته از همه چیز بودند، مع

ذلك آن طور مناجات می‌کردند، برای اینکه خودبین نبودند. هر چه بودند این طور نبوده که خودش را ببیند که، حالا من امام صادق‌ام دیگر، نه، امام صادق مثل آن آدمی که در معصیت غرق است مناجات می‌کند، برای اینکه می‌بیند خودش هیچ نیست و هر چه هست نقص است و هر چه هست از اوست. هر چه کمال است از اوست، خودش چیزی ندارد. هیچ یک چیزی ندارند، انبیا هم هیچی نداشتند. همه هیچ‌اند و اوست فقط، همه هم دنبال او هستند، همه فطرت‌ها دنبال او هستند، منتها چون ما محجوبیم، نمی‌فهمیم که ما دنبال او هستیم؛ آنهایی که می‌فهمند، آنها وارسته می‌شوند و می‌روند سراغ همان معنا. این کمال انقطاعی که خواستند، این کمال انقطاع همین است که از همه این چیزهایی که هستش، اصلش به کنار باشند. إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا را که در آیه شریفه وارد شده است که «عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ» (احزاب، ۷۲) بعد می‌گوید: «إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (همان)، بعضی می‌گویند که «ظلوماً جهولاً» بالاترین وصفی است که خدا برای انسان کرده؛ «ظلوماً» که همه بت‌ها را شکسته و همه چیز را شکسته؛ «جهولاً» برای اینکه به هیچ چیز توجه ندارد و هیچ چیز را متوجه به آن نیست، غافل از همه است. ما نمی‌توانیم این طور باشیم، ما امانتدار هم نمی‌توانیم باشیم، لکن می‌توانیم در آن راه باشیم.

(۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی در میلاد حضرت مهدی «عج»، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۵۳)

فراز اول: برای درک مناجات شعبانیه، نیاز به ریاضت هست؛ علم کافی نیست

امام خمینی (ره): امروز در ماه شریف شعبان واقع هستیم، و مناجات شعبانیه از بزرگترین مناجات و از عظیمترین معارف الهی و از بزرگترین اموری است که آنهایی که اهلش هستند می‌توانند تا حدود ادراک خودشان استفاده کنند. عناوین مسائل الهی و مسائل عرفانی، عناوین سهلی است که هر کس گمان می‌کند که این عناوین را فهمیده است؛ و امور استدلالیه برهانی هم در عین حالی که دقیق است، لیکن سهل الادراک است. بعد از قیام برهان و دنبال او رساندن حاصل این عناوین و نتیجه برهان به قلب مشکلتراست، که آن را ایمان گفته می‌شود به آن، و چه بسا که اصحاب برهان به این مرتبه ایمان نرسیده باشند. این یک مسئله‌ای است که باید با تلقینات و تکرار و ریاضات به قلب رساند. شما ملاحظه می‌کنید که به حسب ضرورت یک کسی که مرده است، از او به انسان ضرری وارد نمی‌شود، لکن الا بعض اشخاص، دیگران، اگر چنانچه در یک قبرستانی باشند و کسی نباشد یا با یک مرده‌ای هم‌جوار باشند در غسل‌خانه و تنها باشند می‌ترسند؛ برای اینکه، آن برهان و ضرورت عقلی به دل نرسیده است. آن معنایی که عقل ادراک کرده است ضرورت هم دارد، لکن به دل نرسیده است. لکن آنهایی که مثلاً مرده شور هستند و سرو کار دارند با مرده‌ها، از باب اینکه تکرار شده است این مطلب پیششان، به قلبشان رسیده است و آنها خوفی ندارند. در مسائل اسلامی هم و مسائل عقلی هم همین طور هست. چه مسائلی عقلی هست که با برهان، با برهان قوی ثابت است، لکن در انسان تأثیر نکرده است، برای اینکه، نتیجه برهان به عقل رسیده است، لکن به قلب وارد نشده است، ایمان به آن نیست، عقل او را ادراک کرده است، لکن قلب ایمان به او نیاورده است. و چه بسا مسائل عرفانی که در قرآن و این مناجاتهای ائمه اطهار سلام

الله علیهم و همین مناجات شعبانیه مسائل عرفانی هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است نمی‌توانند وجدان کنند. آیه شریفه در قرآن: ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ خُوب، مفسرین، فلاسفه در این باب صحبتها کردند، لکن آن ذوق عرفانی کم شده است. الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ انْزِ ابْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ ابْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعُظْمَةِ وَ تَصِيرَ ارواحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ الْهَيْ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَاجَابَكَ وَ نَاجَيْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ اینها عناوینشان را خیال می‌کند انسان، خوب، ما هم می‌دانیم. نه عارف و نه فیلسوف و نه دانشمند نمی‌توانند ذوب کنند چی هست مسأله.

مسئله فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ که مبدأش قرآن است: وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا، مسئله‌ای است که انسان گمان می‌کند که خوب افتاد غش کرد «صَعِقَ» یعنی غش کرد، اما این غش چی بوده است؟ غش حضرت موسی چی بوده است؟ این مسئله‌ای نیست که غیر موسی بفهمد. یا: دَنَىٰ فَتَدَلَّى را، این مسئله‌ای نیست که غیر آن کسی که «دَنُو» پیدا کرده است بتواند فهم کند، ادراک کند، ذوب کند. یا همین جملاتی که در این مناجات بزرگ است و بعضی جملات دیگری که در آن هست، مسائلی است که به حسب ظاهر سهل است و واقعاً ممتنع است. ریاضات بسیار می‌خواهد تا انسان بتواند بفهمد که ناچیته [با فتح تا] نه ناچیته [با ضم تا]، «ناچیته» این چی است؟ خدا با آدم مناجات می‌کند، چی است مناجات؟ چه خواسته‌اند ائمه؟

فراز دوم: دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می‌خواندند

این از دعا‌هایی است که من غیر از این دعا ندیدم که روایت شده است همه ائمه این دعا را، این مناجات را می‌خواندند، این دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می‌خواندند. چی بوده است این؟ بین آنها و خدای تبارک و تعالی چه مسائلی بوده است؟ هَبْ لِي كَمَالَ الْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ كَمَالَ انْقِطَاعِ چی است؟ وَ بِيَدِكَ لَا يَبْدُ عَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَعْفَىٰ وَ صَرِي؛ خوب، آدم به حسب ظاهر می‌گوید خوب، همه چیز با اوست. اما وجدان این مطلب که هیچ ضرری به ما نمی‌رسد الا به دست اوست، هیچ منفعتی نمی‌رسد الا به اوست، اوست ضار و نافع، اینها چیزهایی است که دست ماها از آن کوتاه است.

فراز سوم: دعا کنید مومن به مناجات شویم؛ نگوییم اینها حرفهای درویشی است

دعا کنید که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که در این ماه شریف و ماه شریف رمضان از این مسائل هم يك حظی و لو يك جلوه کوچکی در دلها و قلبهای ما واقع بشود، و لا اقل مؤمن به این بشویم که قضیه «صَعِقَ» چه قضیه‌ای است. مؤمن به این بشویم که مناجات خدا با انسان چی هست. مناجات را مؤمن بشویم به آن، انکار نکنیم، نگوییم اینها حرفهای درویشی است. همه این مسائل در قرآن هست به نحو لطیف و در کتب ادعیه مبارکه ما که از ناحیه ائمه هدی وارد شده است، همه این مسائل هست، نه به آن لطافت قرآن، لکن به نحو لطیف. آن هم و همه اشخاصی که بعدها این اصطلاحات را به کار برده‌اند فهمیده و نفهمیده از قرآن و حدیث گرفتند، و ممکن است که اصل مسندش هم درست ندانند؛

البته به حقیقت‌اش هم کم آدمی است که می‌تواند پی برد تا چه رسد به اینکه ذایقه روح بچشد این را. چشیدن ذایقه یک مسئله فوق این مسائل است.

(۷ خرداد ۱۳۶۲ / مسئولین کشوری / میلاد امام زمان عج، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۵۶ الی ۴۵۸)

شرحی بر فراز «صعق لجلالک»؛ ماه شعبان، ماه تجلی الهی

امام خمینی (ره): آن چیزی که در قرآن به طور اسرار است، در ادعیه ائمه ما به طور اسرار است. در دعای شعبانیه می‌خوانیم که عرض می‌کند به خدا: واجعلنی ممن نادیته فاجابک و لاحظته فصعق لجلالک فناجیته سرا و عمل لک جهرا، مسئله «صعق» را می‌آورد در میان، همان معنایی که در قرآن کریم راجع به حضرت موسی می‌گوید: فلما تجلی ربه للجبل و موسی در «صعق» واقع شد. این ماه صعق است و این هم ماهی است که همان صعق را می‌خواهد. این ماه تجلی الهی است بر پیغمبر اکرم و این ماه تجلی الهی به تبع پیغمبر اکرم بر امامان است. حضرت مهدی - سلام الله علیه - ابعاد مختلفی دارد که آنچه که برای بشر واقع شده است، بعضی ابعاد اوست؛ چنانچه آنچه از قرآن و پیغمبر اکرم برای بشر معلوم شده است، بعضی ابعاد آن معنویات است، معنویاتی در قرآن است که برای هیچ کس جز پیغمبر اکرم و کسانی که شاگرد او هستند و از او استفاده کرده‌اند، کشف نشده است. و در ادعیه ما مسائلی است که همان طور است؛ همان طوری که رسول اکرم به حسب واقع، حاکم بر جمیع موجودات است. آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت. آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است. پس این دو ماه، ماه‌هایی هستند که باید ما راجع به آنها احترام قائل بشویم و ادعیه ای [را] که در این ماه مبارک؛ ماه معظم شعبان وارد شده است و پس از آن در ماه مبارک رمضان وارد شده است بخوانیم و درش تدبر کنیم. مفسرانی که اهل این معانی هستند، ادعیه ائمه را تفسیر کنند!

(۲۵ فروردین ۱۳۶۶، مخاطب: مسئولین نظام، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۹)

شرحی بر فراز «کمال انقطاع»

امام خمینی (ره): در مناجات مبارک شعبانیه می‌خواند: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة و تصیر ارواحنا معلقه بعز قدسک. الهی و اجعلنی ممن نادیته فاجابک و لاحظته فصعق لجلالک فناجیته سرا». این کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودی و هرچه و هر کس، و پیوستن به او است و گسستن از غیر، و هبه ای الهی است به اولیای خلص پس از صعق حاصل از جلال که دنبال گوشه چشم نشان دادن او است و لاحظته... و ابصار قلوب تا به ضیاء نظره او نور نیابد، حجب نور خرق نشود و تا این حجب باقی است، راهی به معدن عظمت نیست و ارواح تعلق به عز قدس را در نیبندد و مرتبت تدلی حاصل نیاید ثم دنی فتدلی. ادنی از این، فنای مطلق و وصول مطلق است.

(نامه [به خانم فاطمه طباطبایی] اندرزهای اخلاقی - عرفانی) / ۵ خرداد ۱۳۶۳، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۴)